

معراج السعاده

(علم اخلاق اسلامى و اخلاق علمى)

مرحوم ملا احمد نراقى

www.KitaboSunnat.com

سرشناسه : نراقی، احمدین محمد مهدی، ۱۲۴۵-۱۱۸۵ ق.
 عنوان و نام پدیدآور : معراج السعاده / احمد نراقی.
 مشخصات نشر : تهران: یسال، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۸۱۲ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۶۱۲-۳-۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
 موضوع : اخلاق اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ عم ۴/۷۵/۲۴۷ BP
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۲۳۳۲۵



عنوان: معراج السعاده

مؤلف: احمد نراقی

ناشر: یسال

نوبت و سال چاپ: اول-۱۳۹۴

تیراژ: ۶۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۶۱۲-۳-۰

قیمت: ۴۳۰۰۰ تومان

میدان شهدا-خ مجاهدین اسلام-خ عظیم زادگان- بن بست اول-

شماره- ۱ واحد ۱ تلفن: ۳۳۵۴۱۴۸۴

فهرست مطالب

۱۷	مقدمه مؤلف
	باب اول در بیان بعضی مقدمات نافع، از: بیان حالات نفس و منفعت فضایل اخلاق و مضرت ردایل آن
۲۳	فصل اول: شناختن نفس مقدمه شناختن خدا
۲۳	□ تاثیر شناختن نفس در تهذیب اخلاق
۲۵	فصل دوم: ترکیب انسان از جسم و نفس
۲۶	فصل سوم: راه شناختن نفس
۲۷	فصل چهارم: حقیقت و ماهیت ایمی
۲۸	فصل پنجم: سیر به عالم بالا یا جنبه روحانی
۳۰	فصل ششم: لذت و الم جسم و روح
۳۰	فصل هفتم: مفاسد بیماری نفس و فوائد صحت آن
۳۳	□ علم بدون تزکیه، علم نیست
۳۴	□ توجه به صحت جسم، و غفلت از صحت و روح
۳۴	فصل هشتم: حصول ملکات نفسانی به تکرار اعمال
۳۶	فصل نهم: فایده علم اخلاق و برتری آن بر سایر علوم
۳۷	فصل دهم: تهذیب اخلاق و ثمره آن
۳۸	□ سعید مطلق کیست؟

باب دوم: در سبب انحراف اخلاق از جاه پسندیده و حصول اخلاق ذمیمه و بیان قوای نفس انسانی و در آن جلد فصل است:

۳۹	فصل اول: قوای چهارگانه و تبعیت سایر قوا از آنها
۴۰	□ اما این چهار سرهنگ:
۴۱	□ قوه عاقله
۴۲	فصل دوم: لذت و الم قوای چهارگانه
۴۳	□ منحصر نبودن لذات در لذات جسم
۴۵	□ سعی در استیلا قوه عاقله بر سایر قوا
۴۷	فصل سوم: قوای چهارگانه سر منشأ نیکبها و بدیها
	فصل چهارم: در بیان اینکه: قوه عقلیه ادراک کلیات کند، و قوه وهمیه ادراک جزئیات نماید
۴۷	
۴۹	فصل پنجم: کارفرمائی قوه عامله

- فصل ششم: اجناس صفات رذيله ۵۱
 فصل هفتم: مقابل هم بودن اوصاف رذيله و صفات فاضله ۵۲
 فصل هشتم: مشبه شدن صفات رذيله به صفات حسنه ۵۴

باب سیم: در بیان محافظت اخلاق حمیده از بیرون رفتن از حد اعتدال،

و معالجات کلیه در ازاله ذمائم اخلاق و احوال، از آنچه تخصیص ندارد

به بعضی صفات و اعمال، و آنچه متعلق است به این منوال، و در آن چند فصل است:

- فصل اول: حفظ تعادل اخلاق حمیده ۵۹
 □ شباهت علم اخلاق به علم طب ۶۱
 فصل دوم: مقدمات تزکیه نفس ۶۱
 فصل سوم: تشخیص امراض نفسانی ۶۵
 □ اسباب امراض نفسانی ۶۶
 □ راه معالجه امراض نفسانی ۶۷

باب چهارم: در تفصیل انواع اخلاق و بیان شرافت فضایل و کیفیت اکتساب هر یک

و شرح مفاسد رذایل و بیان معالجه خصوصیات هر یک از آنها

- اخلاق حسنه و ذمیمه و فوائد و مقاصد آنها ۷۰
 فصل اول: در بیان آن چه متعلق است به ۷۱
 قوه عامله و آن عبارت است که از عدالت ۷۱
 □ اقسام و درجات عادل ۷۳
 فصل دوم: اقسام عدالت ۷۴
 □ بدان که عدالت بر سه قسم است: ۷۴
 فصل سوم: عدالت سر منشأ کمال و سعادت ۷۶
 فصل چهارم: اتصاف مصلح به عدالت ۷۸
 □ در بیان معالجه اخلاق ذمیمه که متعلق است به قوه عاقله ۸۱
 □ مطلب اول در بیان دو جنس رذيله و ضد آنها ۸۱
 فصل پنجم: حکمت در مقابل جریزه و جهل ۸۲
 □ شرافت و فضیلت علم و علماء ۸۳
 □ آداب و شروط تعلّم ۸۶
 □ و اما آداب تعلیم، آن نیز چند چیز است: ۸۸
 □ علم اصول عقاید ۸۹
 □ احتراز از معاصی سبب اعتقاد جازم ۹۱
 □ تلقین ترجمه عقائد به اطفال ۹۳
 □ وجوب عینی علم اخلاق ۹۵
 □ علم مقدمه عمل ۹۶
 □ مطلب دوم در بیان سایر انواع رذایلی که از دو جنس مذکور، یعنی: جریزه و جهل بسیط، ناشی می شوند و از متعلقات قوه عاقله اند و آن چند صفت رذيله است ۹۷

۹۷		جهل مرکب
۹۷		صفت اول: در بیان جهل مرکب است
۹۸		صفت دوم: در بیان شک و حیرت است
۹۸		فصل: یقین و اقل مراتب آن
۱۰۰		□ علامات صاحب یقین
۱۰۲		□ مراتب یقین
۱۰۴		صفت سیم شرک و اقسام آن:
۱۰۴		فصل: توحید و اقسام آن
۱۰۴		□ ضد صفت شرک، توحید است و از برای آن اقسامی چند است:
۱۰۴		□ مراتب توحید و اثرات آن
۱۰۶		فصل: علائم ترقی در مراتب توحید
۱۰۹		فصل: آشنائی با اسرار ملک و ملکوت
۱۱۰		صفت چهارم: خواطر نفسانی و وساوس شیطانی
۱۱۱		فصل: افکاری که دل را مشغول می‌کند
۱۱۲		فصل: اقسام الهام و وسوسه و علامات آنها
۱۱۵		فصل: مضرات وساوس شیطانی و خواطر نفسانی
۱۱۶		فصل: معالجه امراض نفسانی
۱۱۸		□ غفلت از خدا سبب وسوسه شیطان
۱۲۰		□ ذکر قلبی مانع وساوس و خواطر
۱۲۱		□ فایده: کیفیت سد ابواب خواطر، و رفع وساوس
۱۲۳		فصل: خواطر و افکار محموده و اقسام آنها
۱۲۵		□ تدبیر در آفرینش اقلیم وجود
۱۲۷		□ حکمت الهی در خلقت پشه و زنبور
۱۲۹		□ قدرت نمائی حق در خلقت انسان
۱۳۰		□ تفکر در استخوان‌ها و رگهای بدن
۱۳۱		□ تأمل در عجایب استخوان سر
۱۳۳		□ نگاهی به اسرار چشم و نقش آن
۱۳۳		□ در عجایب گوش
۱۳۳		□ حکمت‌های نهفته در صورت انسان
۱۳۴		□ دستگاه گوارش بدن
۱۳۶		□ دستگاه گردش خون
۱۳۶		□ نگاهی به چگونگی خلقت دست‌ها و انگشتان
۱۳۷		□ ترکیب مخصوص آفرینش پای آدمی
۱۳۷		□ حکمت الهی در غذا و تربیت نوزاد
۱۳۸		□ نقش قوه خیالیه و واهمه و عاقله

- آیات آفاق: مشاهده قدرت پروردگار در کره زمین ۱۳۹
- انواع گیاهان و فوائد آنها ۱۴۰
- درختان و شکوفایی آنها ۱۴۰
- اصناف حیوانات ۱۴۰
- عجایب دریاها ۱۴۱
- تفکر در کرات آسمانی ۱۴۱
- عظمت آسمان‌ها ۱۴۲
- تفکر در اعمال و افعال خود ۱۴۳
- صفت پنجم: از صفات رذیله متعلقه به قوه عاقله مکر و حيله کردن است ۱۴۷
- طريقه خلاصی از مکر و حيله ۱۴۷
- در بیان صفات رذیله و اخلاق جميله که متعلق است به قوه غضبيه تهوّر ۱۴۹
- صفت اول خوف است ۱۵۰
- فصل: انواع خوف مذموم ۱۵۱
- علل خوف از مرگ ۱۵۲
- فصل: اطمینان قلب و طريقه تحصیل آن ۱۵۸
- صفت دوم: از صفات رذیله متعلق به قوه غضبيه ايمنی از مکر الله است ۱۵۸
- ايمنی از مکر خدا ۱۵۸
- فصل اول: سبب ايمنی از مکر الله ۱۵۸
- صفت سيم یأس از روح الله: ۱۷۷
- فصل دوم: خوف از خدا و انواع آن ۱۶۰
- فصل سوم: مکروهاتی که سر منشأ خوف و ترس است ۱۶۲
- فصل چهارم: خوف از خدا عالی‌ترین درجه خوف ۱۶۴
- فصل: پنجم: کیفیت تحصیل صفت خوف از خدا - جل جلاله - ۱۶۸
- علت ترسیدن از سوء خاتمه ۱۷۱
- راه محافظت خاطر از معاصی در وقت مردن ۱۷۴
- فصل: رجاء و امیدواری به خدا ۱۷۸
- آیات و اخبار در فضیلت رجاء ۱۸۰
- اموری که وسیله نجات مؤمنین است ۱۸۲
- در بیان احادیثی که روز قیامت گناه مؤمنین را به گردن کفار نهاده و آنها ۱۸۵
- را به جهنم می‌برند ۱۸۵
- رجاء و امیدواری بدون طاعت ۱۸۵
- فصل: خوف اصلاح است یا رجاء؟ ۱۸۶
- فصل: طريقه تحصیل رجاء ۱۹۰
- صفت چهارم ضعف نفس و سستی آن: ۱۹۱
- فصل: قوت نفس و طريقه تحصیل آن ۱۹۱

۱۹۲	صفت پنجم: دنائت همت و مذمت آن
۱۹۴	صفت ششم: بی‌غیرتی و بی‌حمیتی است
۱۹۵	فصل: غیرت در دین و ناموس
۱۹۶	□ غیرت در اولاد و تربیت آن
۲۰۰	صفت هفتم: عجله و شتابکاری است
۲۰۳	فصل: وقار و طمأنینه
۲۰۳	صفت هشتم: سوء ظن و بد دلی است به خدا و خلق
۲۰۵	□ آیات و اخبار در فضیلت رجاء
۲۰۷	□ اموری که وسیله نجات مؤمنین است
۲۱۰	□ رجاء و امیدواری بدون طاعت
۲۱۱	فصل: خوف اصلاح است یا رجاء؟
۲۱۴	فصل: طریقه تحصیل رجاء
۲۱۶	فصل: قوت نفس و طریقه تحصیل آن
۲۱۶	صفت پنجم: دنائت همت و مذمت آن
۲۱۷	□ دنائت همت و مذمت آن
۲۱۸	صفت ششم: بی‌غیرتی و بی‌حمیتی و مذمت آن
۲۱۸	□ بی‌غیرتی و بی‌حمیتی و مذمت آن
۲۱۹	فصل: غیرت در دین و ناموس
۲۲۱	□ غیرت در اولاد و تربیت آن
۲۲۴	□ غیرت در مال
۲۲۵	صفت هفتم: عجله و شتابکاری است
۲۲۸	فصل: وقار و طمأنینه
۲۲۹	صفت هشتم: سوء ظن و بد دلی است به خدا و خلق
۲۳۲	□ طریقه معالجه بدگمانی به خدا و خلق
۲۳۲	فصل: حسن ظن به خدا و خلق
۲۳۳	صفت نهم: غضب است
۲۳۴	فصل: غضب مفرط و مقاسد آن
۲۳۵	فصل: معالجه غضب
۲۳۸	فصل: حلم و کظم غیظ
۲۴۱	صفت دهم: در صدد انتقام بودن است
۲۴۲	فصل: عفو و بخشش و فضیلت آن
۲۴۴	صفت یازدهم: غلظت و درشتی در گفتار و کردار
۲۴۵	□ شرافت مدارا کردن با مردم
۲۴۶	صفت دوازدهم: کج خلقی
۲۴۶	□ معالجه کج خلقی

- ۲۴۹ صفت سیزدهم: عداوت و دشمنی
- ۲۵۰ □ معالجه عداوت و دشمنی
- ۲۵۱ فصل: مذمت ضرب، فحش، لعن و طعن
- ۲۵۵ □ نفرین به مسلمان
- ۲۵۷ صفت چهاردهم: عجب و خود بزرگ بینی و مذمت آن
- ۲۵۹ □ عجب، سرمنشأ آفات و صفات خبیثه دیگر
- ۲۶۰ فصل: معالجه مرض عجب
- ۲۶۴ □ معالجه تفصیلی مرض عجب
- ۲۶۴ □ علاج عجب به علم
- ۲۶۶ □ علاج عجب به عبادت و طاعت
- ۲۶۷ □ علاج عجب به ورع و تقوی و نحو این ها
- ۲۶۸ □ علاج عجب به حسب و نسب
- ۲۷۰ □ علاج عجب به جمال
- ۲۷۱ □ در علاج عجب به مال
- ۲۷۲ □ علاج عجب به قوت و قدرت خود
- ۲۷۳ □ علاج عجب به جاه و منصب و نحو این ها
- ۲۷۴ □ علاج عجب به عقل و زیرکی خود
- ۲۷۴ فصل: شرافت شکسته نفسی و حقیر شمردن خود
- ۲۷۵ صفت پانزدهم: کبر و فرق آن با عجب
- ۲۷۷ □ متکبرین در روز قیامت
- ۲۷۸ فصل: اقسام تکبر و درجات متکبرین
- ۲۸۰ فصل: طریقه معالجه تکبر
- ۲۸۲ فصل: علائم و نشانه های تکبر و تواضع
- ۲۸۸ فصل: تواضع و فروتنی
- ۲۹۰ □ مذموم بودن ذلت و خواری
- ۲۹۰ صفت شانزدهم: افتخار (فخر) و مذمت آن
- ۲۹۱ صفت هفدهم: بغی و سرکشی و علاج آن
- ۲۹۲ صفت هجدهم: خودستایی
- ۲۹۲ صفت نوزدهم: عصبیت
- ۲۹۳ صفت بیستم: کتمان حق و مذمت آن
- ۲۹۴ فصل: انصاف
- در بیان آنچه متعلق است به قوه شهویه از ردایل صفات و کیفیت معالجه آنها،
- ۲۹۶ و فضایل ملکات و طریق تحصیل آنها
- ۲۹۶ □ مطلب اول دو جنس صفات خبیثه متعلقه به قوه شهویه، و ضد آنها
- ۲۹۶ فصل: اول مذمت شره و مفاسد شکم پرستی

۲۹۹	□ ثمرات گرسنگی
۳۰۰	□ مفاسد پیروی از شهوت فرج
۳۰۴	فصل دوم: مذمت خمود و فواید نکاح
۳۰۶	فصل سوم: عفت، ضد شره و خمود
۳۰۸	سایر صفاتی که متعلق است به قوه شهویه
۳۰۸	فصل: حقیقت دنیا فی نفسه
۳۰۸	صفت اول محبت دنیای دنیه
۳۰۸	□ حقیقت دنیا در حق بندگان
۳۱۱	فصل: تقسیم دنیا به مذموم و غیر مذموم
۳۱۳	فصل: مذمت دنیا و بی‌ارزشی و بی‌اعتباری آن
۳۲۴	فصل: چیزهایی که دنیا را به آنها تشبیه کرده‌اند
۳۲۹	فصل: بیان دنیای ممدوح و مذموم
۳۳۰	□ اقسام آنچه در دنیا هست
۳۳۱	فصل: فقر و غنا و حالت‌های آنها
۳۳۲	فصل: مذمت مال و مالداران
۳۳۴	□ مدح مال
۳۳۵	فصل: مفاسد مال
۳۳۷	□ فواید مال
۳۳۸	فصل: طرق رهایی از مفاسد مال
۳۴۰	فصل: زهد و فضیلت آن
۳۴۰	□ زهد و زاهد از دیدگاه آیات و روایات
۳۴۶	□ نگاهی بر زهد پیامبر ۶ و علی ۷
۳۴۷	فصل: درجات و اقسام زهد
۳۵۳	□ فایده زاهد حقیقی و علائم او
۳۵۴	صفت دوم: مفاسد غنا و بی‌نیازی
۳۵۵	فصل: فقر و اقسام آن
۳۵۷	فصل: فضیلت و شرافت فقر و فقر
۳۶۱	فصل: فضیلت فقیر صابر و راضی، بر غنی شاکر و سخی
۳۶۳	فصل: فرق بین فقیر و گدا و مذمت تکذبی
۳۶۷	□ اقسام احتیاج آدمی و کیفیت سؤال کردن در آنها
۳۶۹	صفت سوم: حرص و مفاسد آن
۳۷۰	فصل: ملکه قناعت
۳۷۱	فصل: طریقه معالجه صفت حرص، و تحصیل ملکه قناعت
۳۷۴	صفت چهارم طمع و مفاسد آن؛ و آن عبارت است از: توقع داشتن در اموال مردم. و
۳۷۶	فصل: شرافت استغنا و قطع طمع

۳۷۷	صفت پنجم: بخل و مذمت آن.....
۳۷۹	صفت ششم فضیلت سخاوت.....
۳۸۰	□ ایثار، بالاترین مرتبه سخاوت.....
۳۸۱	فصل: معالجهٔ مرض بخل.....
۳۸۴	فصل: چگونگی مصرف مال.....
۳۸۵	فصل: نکات باطنیه سخاوت.....
۳۸۵	□ اول: زکاة.....
۳۸۹	□ دوم: آداب انفاق کننده.....
۳۹۰	□ علاج منت گذاردن و ایذای فقیر.....
۳۹۴	□ فایده: آداب انفاق شونده.....
۳۹۵	□ خمس.....
۳۹۷	□ نفقهٔ اهل و عیال.....
۳۹۸	□ صدقات مستحبیه.....
۴۰۱	□ هدیه.....
۴۰۱	□ مهمانی کردن و آداب آن.....
۴۰۳	□ آداب میهمان.....
۴۰۴	□ حق معلوم، و حق حصاد.....
۴۰۴	□ قرض دادن.....
۴۰۵	□ مهلت دادن قرض دار.....
۴۰۶	□ اعانت مسلمین نمودن.....
۴۰۶	□ حفظ آبرو و دفع شرّ اشرار.....
۴۰۶	□ ساختن مسجد، مدرسه و پل.....
۴۰۶	□ مال حرام خوردن.....
۴۰۹	فصل: اموال حلال و حرام و مشتبه و درجات آنها.....
۴۰۹	□ فرق بین هدیه و رشوه.....
۴۱۱	فصل: فضیلت اجتناب از مال حرام.....
۴۱۲	فصل: مداخل مال حلال.....
۴۱۳	□ اصناف دزدان و گدایان.....
۴۱۴	صفت هفتم: خیانت و عذر است در مال یا عرض کسی، یا حرمت و آبروی او.....
۴۱۵	صفت هشتم: خوض در باطل.....
۴۱۶	صفت نهم: تکلم به مالا یعنی و فضول.....
۴۱۹	فصل: خاموشی و ترک سخنان لغو و بی فایده.....
۴۲۰	صفت اول: حسد است.....
۴۲۰	صفتی که متعلق است به سه قوه عاقله، غضبیه، شهویه، یا به دو قوه از این.....
۴۲۰	سه قوه از ردائیل و فضایل و آن صفات بسیار است.....

۴۲۲	□ حسود سود نمی‌برد.....
۴۲۴	□ فایده مراتب حسد.....
۴۲۵	فصل: موجبات حسد.....
۴۲۷	□ فایده حسدورزی هر صنفی به صنف خود.....
۴۲۷	□ محبت دنیا منشأ همه اسباب حسد.....
۴۲۹	فصل: معالجه مرض حسد با علم و عمل.....
۴۳۰	□ حسد مایه ضرر دنیوی حاسد است نه محسود.....
۴۳۲	□ فایده دو قسم حسد مذموم و حرام.....
۴۳۴	فصل: مدح و فضیلت نصیحت و خیر خواهی.....
۴۳۵	صفت دوم: اعانت و تحقیر نمودن بندگان خدا و مذمت آن.....
۴۳۶	□ تعظیم و احترام کردن به بندگان خدا و فضیلت آن.....
۴۳۷	□ احترام پیران.....
۴۳۷	□ احترام سادات.....
۴۳۸	صفت سیم: ظلم و مقابله آن.....
۴۴۲	□ پاسخ ظالم در روز قیامت.....
۴۴۳	□ آه مظلوم.....
۴۴۵	□ اعانت به ظالم و راضی به فعل او شدن.....
۴۴۶	□ عدالت و فضیلت آن.....
۴۴۹	□ فواید دنیوی عدالت.....
۴۵۱	فصل: آثار و لوازم عدالت.....
۴۵۶	□ حکایت دادرسی نمودن سلطان محمود غزنوی.....
۴۵۷	□ حکایت دادرسی سلطان ملک شاه.....
۴۵۹	فصل: معالجه مرض ظلم و تحصیل ملکه عدالت.....
۴۶۱	صفت چهارم: ترک اعانت مسلمین و عدم اهتمام در امور ایشان.....
۴۶۲	فصل: اهتمام در ثواب قضای حوائج مسلمین و اعانت بر ایشان.....
۴۶۴	□ ثواب اعانت بر مسلمین و برآوردن حاجات ایشان.....
۴۶۶	صفت پنجم: کوتاهی و مسامحه کردن در امر به معروف و نهی از منکر.....
۴۶۹	فصل: اهتمام در امر به معروف و نهی از منکر.....
۴۷۱	□ وجوب امر به معروف و نهی از منکر و شرایط آن.....
۴۷۵	□ شرایط امر و نهی شونده.....
۴۷۵	فصل: مراتب امر به معروف و نهی از منکر.....
۴۷۶	فصل: مختصری از محرمات شایعه در میان مردم.....
۴۷۷	صفت ششم: مذمت قهر کردن و دوری از برادران دینی.....
۴۷۸	فصل: فضیلت و ثواب آشتی و الفت.....
۴۸۱	صفت هفتم: قطع صله رحم و اسباب آن.....

- ۴۸۳ □ وجوب و فضیلت صله رحم و فواید آن
- ۴۸۴ □ فایده مراد از رحمی که صله آن واجب و قطع آن حرام است
- ۴۸۵ صفت هشتم: عقود والدین و مذمت آن
- ۴۸۷ □ فضیلت نیکی به والدین
- ۴۹۰ فصل: حقوق همسایگان
- ۴۹۲ صفت نهم: مذمت عیبجوئی کردن
- ۴۹۳ □ فضیلت عیب پوشی کردن
- ۴۹۵ صفت دهم: مذمت فاش کردن راز مردم و فضیلت راز داری
- ۴۹۷ صفت یازدهم: سخن چینی و مفاسد آن
- ۴۹۹ □ اعتنا نکردن به سخن تمام
- ۵۰۱ □ اصلاح میان مردم و فضل و ثواب آن
- ۵۰۰ صفت دوازدهم: افساد میان مردم و ذم و عقاب آن
- ۵۰۲ صفت سیزدهم: شماعت کردن
- ۵۰۲ صفت چهاردهم: مرأ و جدال و مخاصمه
- ۵۰۶ صفت پانزدهم: سخریه و استهزاء کردن
- ۵۰۷ صفت شانزدهم: مزاح و خنده و بله گویی و شوخی کردن
- ۵۰۹ صفت هفدهم: معنی و حقیقت غیبت
- ۵۱۰ فصل اول: غیبت به غیر زبان
- ۵۱۱ □ شنونده غیبت نیز حکم غیبت کننده را دارد
- ۵۱۲ فصل دوم: آیات و اخبار وارده در حرمت و مذمت غیبت
- ۵۱۵ فصل سوم: معالجه اجمالی مرض غیبت
- ۵۱۹ فصل چهارم: مواضعی که غیبت در آنها جایز است
- ۵۲۱ فصل پنجم: شرافت ستایش و مدح مسلمین
- ۵۲۲ صفت هیجدهم: دروغ گفتن
- ۵۲۴ □ توریه کردن
- ۵۲۵ □ دروغهای حرامی که مردم در آنها سهل انگارند
- ۵۲۶ فصل: اجتناب از کذب، و طریقه خلاصی از آن
- ۵۲۷ □ دروغ گفتن مایه رسوائی
- ۵۲۸ فصل: صدق و راستگویی
- ۵۲۸ □ کذب در کردار و اعمال
- ۵۲۹ □ کذب در اخلاق و مقامات دین
- ۵۳۱ □ فایده: مفاسد و آفات زبان
- ۵۳۳ □ صمت و خاموشی ضد آفات و مفاسد زبان
- ۵۳۵ صفت نوزدهم: حب جاه، شهرت، و ریاست
- ۵۳۶ فصل: آیات و روایات وارده در مذمت حب جاه و شهرت

۵۳۸	فصل: جاه و ریاست بی‌ضرر و ممدوح
۵۴۰	فصل: علاج علمی و عملی مرض حب جاه و ریاست
۵۴۵	□ حکایت شاهزاده‌ای که می‌خواست داماد شود
۵۴۶	□ معالجه عملی حب جاه
۵۴۷	فصل: شرافت گمنامی و بی‌اعتباری
۵۴۸	□ حکایت فرزند گمنام هارون الرشید
۵۵۰	□ قصه معاویه، پسر یزید بلید
۵۵۲	صفت بیستم: دوست داشتن مدح و ثناء و کراهت داشتن ذم
۵۵۲	□ مراتب صاحب صفت فوق
۵۵۳	□ اسباب مدح و خوش آمدگویی
۵۵۴	فصل: معالجه حب مدح و ثناء و کراهت ذم
۵۵۵	□ معالجه کراهت از مذمت
۵۵۶	□ علاج عملی صفت مذکور
۵۵۷	صفت بیست و یکم: ریا
۵۵۹	فصل: اقسام و انواع ریا
۵۶۱	فصل: مفاسد اقسام ریا و احکام آنها
۵۶۸	فصل: علاج ریا
۵۷۰	□ معالجه عملی مرض ریا
۵۷۲	فصل: اخلاص
۵۷۳	□ آفات اخلاص
۵۷۴	فصل: فضیلت و شرافت اخلاص
۵۷۷	صفت بیست و دوم: نفاق و دورویی، و مذمت آن
۵۷۷	□ موارد استثنا شده از نفاق
۵۷۸	صفت بیست و سوم: غرور و مذمت
۵۷۹	فصل: طوایف اهل غرور، و اسباب غرور، و معالجه آنها
۵۷۹	□ کفار و صاحبان مذاهب فاسد
۵۸۰	□ اهل فسق و معاصی
۵۸۵	□ اهل علم
۵۹۰	□ واعظان
۵۹۳	□ اهل تصوف، و درویشان و فریفتگان
۵۹۸	□ اغنیا و مالداران
۶۰۰	صفت بیست و چهارم: طول امل و اسباب آن
۶۰۲	فصل: قصر امل و فواید آن
۶۰۴	فصل: معالجه طول امل
۶۱۱	صفت بیست و پنجم: گناهکاری و اصرار بر معاصی و عدم پشیمانی از آن

- فصل: توبه و پشیمانی و اسباب آن ۶۱۲
- فصل: فضیلت توبه ۶۱۴
- توبه از همه گناهان ۶۱۹
- فصل: قبولی توبه دارای شرایط ۶۲۰
- حکایت توبه «شعوانه» ۶۲۲
- حکایت توبه مرد گناهکار و قبولی توبه اش ۶۲۳
- فصل: اقسام توبه و بیان آنها ۶۲۴
- شرایط توبه از نظر حضرت علی ۷ ۶۲۵
- فایده: اجتناب از گناهان کبیره، کفاره گناهان صغیره ۶۲۷
- اسبابی که گناه صغیره را کبیره می کنند ۶۲۸
- فصل: اقسام توبه کنندگان ۶۲۹
- صفت بیست و ششم: فراموشی از اعمال خود، و غفلت از محاسبه آنها ۶۳۰
- عدم اعتماد به نفس نباید مایه پشیمانی از توبه شود ۶۳۰
- فصل: محاسبه و مراقبه ۶۳۱
- فصل: عقل، تاجر راه آخرت ۶۳۲
- مرابطه و اجزای آن ۶۳۳
- کیفیت محاسبه نفس ۶۳۷
- مطالعه احوال صالحین سلف ۶۴۰
- صفت بیست و هفتم: مذمت کراهت و شرافت ضد آن (محبت) ۶۴۳
- وجوه ادراک آدمی و اقسام موجودات ۶۴۴
- فصل: اسباب محبت و اقسام آن ۶۴۵
- فصل: هیچ دلی از محبت خالی نیست ۶۵۰
- فصل: محبت به خدا بالاترین محبت ها ۶۵۰
- اجتماع همه اسباب محبت در حق پروردگار ۶۵۱
- فصل: فساد قول کسی که محبت خدا را فقط مواظبت ۶۵۵
- بر طاعات می داند ۶۵۵
- محبت خدا از نظر قرآن و پیامبر اکرم ۶ ۶۵۵
- محبت خدا از نظر پیامبران الهی ۶۵۶
- فصل: محبت خدا اکمل لذتها ۶۶۲
- راههای لقاء و مشاهده و وصال حضرت حق ۶۶۹
- فصل: طریق تحصیل محبت و معرفت خدا ۶۷۱
- فصل: علائم و آثار محبت خدا ۶۷۳
- حکایت بنده ای که دزه ای از معرفت خدا به او عطا شد ۶۷۷
- علائم و آثار دیگر محبت و معرفت خدا ۶۷۷
- ابراهیم خلیل الرحمن و محبت و معرفت خدا ۶۷۹

۶۸۰	□ حکایت فرزند قربانی کردن ابراهیم
۶۸۲	فصل: حقیقت شوق به لقای خدا
۶۸۵	□ حقیقت انس به خدا
۶۸۷	فصل: خلوت و عزلت و فواید آن
۶۸۸	□ فواید مخالطه با مردم
۶۸۸	□ خلوت و عزلت بهتر است یا مخالطه با مردم؟
۶۹۰	فصل: بدان که.....
	فصل: پیرامون حبّ فی الله و بغض فی الله و دوستی در راه خدا
۶۹۲	دو قسم می‌شود:
۶۹۳	□ درجات معصیت و اظهار بغض
۶۹۳	□ وفا و جفا
۶۹۴	صفت بیست و هشتم اعتراض بر اراده و تقدیرات خدا
۶۹۶	فصل: رضا بر قضا و مقدرات الهی
۶۹۹	فصل: رضا از ثمرات محبت
۷۰۱	فصل: عدم منافات رضا با دعا
۷۰۱	فصل: طریق تحصیل رضا
۷۰۳	صفت بیست و نهم: حزن و اندوه بر امور دنیویّه و علاج آن
۷۰۷	صفت سی‌ام: مذمت بی‌اعتمادی به خدا و اعتماد به غیر خدا
۷۰۸	فصل: توکل بر خدا و فضیلت آن
۷۱۱	فصل: تقسیم امور بندگان
۷۱۲	□ عدم منافات اسباب با توکل
۷۱۳	فصل: درجات توکل
۷۱۵	فصل: طریقه تحصیل صفت توکل و علامت حصول آن
۷۱۷	صفت سی و یکم: کفران نعمت و شکر آن
۷۱۹	فصل: فضیلت شکر نعمت
۷۲۲	فصل: شناختن اشیائی که رضای خدا در آنهاست
۷۲۲	فصل: شکر نعمت و کفران نعمت به اموری که در اختیار انسان است
۷۲۵	فصل: شناختن نعمتهای الهی
۷۲۷	فصل: فهمیدن و درک غذا قبل از خوردن
۷۲۸	فصل: رغبت آدمی به غذا
۷۲۹	فصل: حکمت‌های نهفته در دانه گندم
۷۳۰	فصل: تصرفات لازم برای تحصیل نان
۷۳۲	فصل: طبقات و اصناف ملائکه و اعمال ایشان
۷۳۵	فصل: سبب تقصیر مردم در شکر گزاری
۷۳۶	فصل: طریقه تحصیل شکر گزاری حضرت باری

۷۳۹	صفت سی و دوم: جزع و بی‌تابی
۷۴۰	فصل: صبر و شکیبایی
۷۴۳	فصل: صبر در حال رفاهیت و نعمت
۷۴۶	فصل: ثمراتی که بر صبر مترتب می‌شود
۷۵۰	فصل: اموری که طالب صبر باید مراعات نماید
۷۵۴	□ صبر حضرت ایتوب ۷
۷۵۶	□ فایده:
۷۵۸	صفت سی و سوم: فسق است

باب پنجم اسرار و آداب عبادات

۷۵۹	مقصد اول: در طهارت و نظافت
۷۶۱	فصل اول: آداب باطنیه طهارت بدن از خبث
۷۶۲	فصل دوم: آداب باطنیه طهارت بدن از حدث
۷۶۳	فصل: سوم: ازاله فضلات و کثافات بدن
۷۶۴	مقصد دوم: بعضی از اسرار و آداب باطنیه نماز
۷۶۶	فصل اول: چیزهایی که حقیقت و روح نماز است
۷۶۷	فصل دوم: غفلت، مخالف روح و حقیقت نماز
۷۷۲	فصل سوم: علل و اسباب آداب باطنیه نماز
۷۷۶	فصل چهارم: اسرار و اشارات متعلقه به شروط و افعال و ارکان نماز
۷۷۹	فصل پنجم: آداب دخول در نماز
۷۸۱	فصل ششم: آداب قرائت و بقیه اعمال نماز
۷۸۶	فصل هفتم: آداب و شرایط امام جماعت
۷۸۷	مقصد سوم: در بعضی از آداب باطنیه ذکر و دعا
۷۸۷	فصل اول: بعضی از آداب و شرایط ذکر
۷۸۸	فصل دوم: بعضی از آداب و شرایط دعا
۷۹۰	مقصد چهارم: بعضی از شرایط و آداب تلاوت قرآن
۷۹۱	فصل: آداب ظاهریه قرائت قرآن
۷۹۱	آداب باطنیه قرائت قرآن
۷۹۶	مقصد پنجم: شمه‌ای از آداب روزه
۷۹۸	□ درجات روزه
۷۹۹	مقصد ششم: بعضی از آداب حج
۷۹۹	فصل اول: بعضی از اسرار آداب باطنیه حج
۸۰۱	فصل دوم: اموری که هنگام توجه به حج باید مراعات شود
۸۰۳	فصل سوم: اسرار باطنیه مقدمات و اعمال حج
۸۰۷	مقصد هفتم: آداب زیارت بعضی از مشاهد مشرقه
۸۰۹	فصل: ثواب و فضیلت زیارت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مؤلف

معراج سعادت جاودانی، و مفتاح ابواب فیوضات دو جهانی، ستایش و سپاس خداوندی است یکتا - جلّ شأنه - و نیایش افزون از قیاس، یگانه‌ای است بی‌همتا، بهر برهانه، که از لمعات اشراقات فیض کاملش مصابیح قلوب اهل علم و عرفان در مشکوة مهج روشن، و از لوامع تجلیات لطف شاملش، سراج المنیر علوم بر زوایای ضمائر اولی البصائر پرتو افکن، اجرام علوی از علو شوق جمالش جملگی احرام بندگی بسته، گرد حرم کعبه جلالش به حرکات شوقی سرگشته طوف، و اجزای عالم سفلی از علو مرتبه ادراک کنه ذات لایزالش همگی در مقام بی‌خبری ثابت و حیران، از صفیر عنایتش همای نفس نفیس لاهوتی گرفتار قید تعلقات ناسوتی، به جناحین علم و عمل در فضای روح افزای عوالم حقایق، پرواز نموده خود را به اوج سعادت می‌رساند.

- اجرام آسمانی از برتری شوق جمالش، همگی احرام بندگی بسته، و در گرد کعبه جلالش با حرکات مشتاقانه، سرگرم طواف، و چون در کنه حقیقت ذات لایزالش ممکن نیست، اجزاء و ذرات جهان همگی در مقام بی‌خبری ثابت و حیران، و در حال خوف و وحشت می‌باشند.

و از فیض هدایتش به تعلیم معلّم عقل، و تأدیب مؤدّب شرع، معشر بشر، و فرقه ناس خود را از ادناس و ارجاس عالم طبیعت مصفا نموده به سیر سر منزل حقیقت می‌کشاند. خرد بخردان را در ساحت قدس تجرّدش مجال تردّد محال، و بال همای وهم و خیال را طیران در فضای بی‌انقضای بقایش و بال، «فَسُبْحَانَهُ مَا اعْظَمَ شَأْنَهُ وَاجِلْ أَحْسَانَهُ». و افضل صلوات، و اکمل تحیات به جناب مقدس پیغمبری سزاوار است که: دوحه لوای حمد به اسم سامیش مرشح، و توقیع وقیع هدایت و تکمیل، به نام نامیش موشح، غالیه سای نکبت مکارم اخلاقش کریمه: «وَ أَنْتَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ» (قلم ۶۸، آیه ۴) یعنی: براستی که تو بر خلق بسیار بزرگی هستی؛ و عنوان صحیفه اشفاق بیضاء اشراقش

«يَا مُؤْمِنِينَ زُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه/۱۲۸)، یعنی: نسبت به مؤمنان مهربان و دلسوزی. محمود به محامد اخلاق و شیم، و ممدوح به محاسن الطاف و کرم، معلّم معالم فروع و اصول، صاحب فرمان: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ» (آل عمران/۱۴۴) یعنی: نیست محمد ﷺ جز پیامبری.

محمد شافع امت، قسیم دوزخ و جنت حبيب حضرت عزّت، شه دین خسرو دنیا جهان را ناصر و یاور، جهانبان را پیام آور کزین پیک جهان داور، رسول خالق یکتا پس از سپاس ایزد داور، و پس از درود جناب پیغمبر ﷺ، واسطه منقبت در خور سروری است که رفعت کاخ کرامتش از آن بالاتر که: کمند رسای مدارک او هام بشر به شرف آن تواند رسید، و عظم رتبه ولایش از آن والاتر که: طوطی شکسته بال مقال، در ادای شمه‌ای از شیم ولایش از قفس نفس، نفس تواند کشید، صیت و آوازه مکارم اخلاقش، عرصه آفاق را آنچنان فرا گرفته که: ناطقه منکر حسود، لال گردیده، و آوازه عظمت و فضایل ملکاتش در پهنای زمین، آنچنان انتشار یافته که دشمن عنود، از کثرت خجالت و شرم غرق غرق شرم شده است، کشتی نجاتی است که: به ناخدایی همت بلندش، کشتی حرکت انسان‌ها به چهار موجه افتاده، و سطح دریای زندگی را به سوی ساحل سلامت در نوردیده، و از دریای فتنه‌زای خلاف اندیشی مخالفان به کنار آمده، عین الحیاتی که تشنه کامان شربت شوق، که در جستجوی او در ظلمات، راه گم کرده بودند را خضر به سوی او هدایت نموده. جامع سعادات کامله، و صاحب کمالات عالیّه.

مظهر اسرار خفی و جلیّ

شیر خدا شاه ولایت علی

درود نا معدود و تحیات غیر محدود بر تتمه ائمه دین و اولاد طاهرين او، که همگی کیمیای سعادت‌اند و کلید گنج فیض سرمد، لمعات خورشید امامت‌اند و مصباح مشکوه کرامت، درر غرر خلافت‌اند و درّه غرّه شرافت، مطالع لوامع قدس‌اند و ریخت المجالس مجامع انس، سراج المنیر نهج المسترشدين‌اند و مفتاح الفلاح ابواب الجنان حق الیقین، فصلوات الله علیهم اجمعین الی یوم الدین.

اما بعد: چنین گوید گرفتار دام آمال و امانی، و طالب سعادت جاودانی، احمد بن محمد مهدی بن ابی ذر - لَقْنَهُمُ اللَّهُ حَجَّتَهُمْ يَوْمَ الْعَرْضِ الْاَكْبَرِ - که: بر رأی ارباب الباب واضح است که: خالق عالم، و موجد بنی آدم - جلّت عظمته - به مقتضای حکمت کامله و قدرت شامله، قامت قابلیت نوع انسان را در مقام «وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسرا/۷۰) یعنی: ما برتری دادیم انسان را بر بسیاری از آنچه آفریده‌ایم. به تشریف «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسرا/۷۰) یعنی: برآستی که ما از میان مخلوقات بنی آدم را بسیار

گرامی داشتیم، سرافراز، و این صدف پاک را به ودیعت نهادن گوهر ادراک و نفس ناطقه، شرف امتیاز ارزانی داشت. سلطان والا شأن عقل را در مملکت بدن بر سریر مخروطی دل متمکن ساخت، و معاشر مشاعر و عساكر حواس را سر بر خط فرمان وی نهاد، تا اینکه طاغیان قوای سرکش طبیعی را تحت اطاعت و انقیاد آورد، به کسب اخلاق حمیده و صفات پسندیده طنطنه کوس کرامت به گوش سگان صوامع جبروت رسانده، در مضمار سعادت، گوی سبقت از ملائکه ملکوت رباید.

نه فلک راست مسلم، نه ملک را حاصل آنچه در سر سویدای بنی آدم از اوست و به حکم محکم عقل، و نصّ مستفیض نقل، بر هر یک از افراد سالکین منهج سداد، و طالبین طریق رشاد لازم است که: اولاً از آئینه گیتی نمای دل، زنگ رذائل، زایل، و بعد از آن، ادهم همت به صورت تحلل به حلل فضائل مایل سازد، چه بدون تخلیه، تخلیه میسر نشود، و انعکاس نقش حبیب، صورت نبندد.

شستشویی کن و آنکه به خرابات خرام تا نگرده ز تو این دیر خراب آلوده و خود ظاهر و روشن و ثابت و مبین است که: دفع صفات ناپسند، و کسب ملکات ارجمند، موقوف بر شناختن آنها، و اصول و اسباب هر یک، و کیفیت و معالجات مقررّه است. و متکفل بیان تفصیل این مطالب، علمی است که: تعبیر از آن به «علم اخلاق»، و «حکمت خلقیه» می‌نمایند.

و بهترین نسخ کتب از حیثیت: نظم و ترتیب و حسن ترکیب و تعبیر لایق، تحقیق رائق، و اشتمال بر آیات و اخبار وارده در شریعت، و اختوای بر مقالات ار باب عرفان و اساطین حکمت، که در این فنّ شریف، تألیف و تصنیف شده کتاب موسوم به «جامع السعادات» است، که از تألیفات عالم عامل، و عارف اصل، و حکیم کامل، و فقیه فاضل، والد ماجد بزرگوار این ذره بی‌مقدار (ﷺ) است.

و از آنجا که همگی همت سپهر رفعت اعلیحضرت، پادشاه جمّ جاه، ملایک سپاه، گردون بارگاه، خدیو زمان، قبله سلاطین جهان، سرور خواقین دوران، بانی مبانی دین مبین، و مروج شریعت سید المرسلین، طغرای زیبای منشور خلافت، رونق جمال کمال مملکت، آفتاب تابان فلک سلطنت، خورشید درخشان سپهر جلالت، ماحی مآثر ظلم و عدوان، مظهر «أَنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰)، یعنی: همانا خداوند سفارش فرموده انسانها را به عدالت و نیکویی نسبت به همدیگر، خسروی که انجم، با آنکه همگی چشم شده، صاحبقرانی چون او در هیچ قرنی ندیده، و سپهر پیر، با آنکه همه تن، گوش گشته، طنین طنطنه کشور گشائی چنین، نشنیده.

دارنده تخت پادشاهی	دارای سپیدی و سیاهی
شاهنشاه آفتاب سایه	کیخسرو کیقباد پایه
قیصر به درش جنبه داری	فغفور، گدای گشت باری

شاهنشاهی که سلاطین روم و فرنگ را آستان عرش اشتباهش پناه، و پادشاهان هند و خطا را در درگاه جهان پناهش روی امیدواری بر خاک راه.

کمین مولای او صاحبکلاهان به خاک پای او سوگند شاهان

عدالت گستری که در چمن عدالتش «صعوه» و «باز» هم پرواز، و در مرتع عنایتش گرگ با گوسفند، دمساز، از بیم سیاستش بزه گریخته را، گرگ، کشان کشان به سوی شبان آورد. و «نسر» قوی پنجه، گنجشک گم کرده آشیان را به آشیان رساند. مرحمت پروری که به دوران مرحمتش، فریاد، بجز از مرغان چمن برنیاید، و بیدادگری کس بجز غمزه معشوق نیابد، فتنه در گوشه چشم خوبان به خواب، و آشوب در شکن زلف بتان قرار گرفته، باصیت سخاوتش دعوی جود «معین» و حاتم لفظی از معنی بیگانه، و با آوازه شجاعتش قصه مردی زال و رستم افسانه، تیغش قاطعی است به درجه طالع اعدا رسیده، و آفتابی است که چون به سمت الرأس دشمن برسد، هنگام زوال خود را دیده، آئینه روشنی است که عروس حسناء، ملک چهره خود را جز در صفای آن نتواند دید، و پاک گوهری است از خاندان «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ» (حدید/۲۵) یعنی: و آفریدیم آهن را، مهیب یکاری که صفت سطوت آن «فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» (حدید/۲۵) که در آن سختی کارزار و منافع بسیار برای مردم، تیرش سهم الموتی است، که به حسب تسییر، به خانه نکبت دشمن انجامید، و معانی است تیز پر، که اجل نامه اعدای دولتش بر پای بسته، پیکی است تندرو که به رسم سفارت از عالم عدم به احضار مخالفان آمده، چتر عظمتش بر سر آسمانی است که خورشید در سایه آن، آستانش ایوانی است که «سَبْعَ سَمَوَاتٍ» نردبان هفت پایه آن، یکران سبک خیزش تندبادی است که سلیمان زمان بر آن سوار، آسمانی است که خورشید تابان را بر آن قرار، آب حسام خون آشامش نظارت بخش ریاض شریعت غزای احمدی عليه السلام، و تاب سنان آتش فشانش فروغ ملت بیضای محمدی عليه السلام، سپر حمایتش برنا و پیراهل اسلام را جنة الأمان، و جوشن حراستش زمره خاص و عام را پشتیبان، شیر بیشه جلادت، مرد میدان سعادت، گوهر کان خلافت، و تاجداری یکتا، در صدف سلطنت و شهریاری، نسیم گلستان عدل و انصاف، شعله نیستان جور و اعتساف، مؤسس قوانین معدلت، مؤکد قواعد رأفت و رحمت، دارای نیک رأی، و اسکندر ملک آرای، ظلّ ظلّیل آله و المجاهد فی سبیل الله، صدر نشین محفل عنایات حضرت آفریدگار، السلطان ابن السلطان، و الخاقان ابن الخاقان، السلطان

«فتحعلیشاه» قاجار، - لا زالت اطناب دولته إلى يوم القيام ممدودة، و ثغور الاسلام بسييف حراسته مسدودة - .

جهانش به کام و فلک یار باد جهان آفرینش نگهدار
باد غم از گردش روزگارش مباد وز اندیشه بر دل غبارش مباد
دل و کشورش جمع و معمور باد ز ملکش پراکندگی دور باد

که آفتاب خاطر همایونش از بدو طلوع صبح این دولت عظمی، بر ساحت ترویج شریعت غزا پرتو افکن است. و از رأی سعادت مشحونش از حین ظهور نور این سلطنت کبری، معالم دین مبین و منهاج شرع متین واضح و روشن است. بر صعود کافه انام بر معراج سعادت مصروف، و عنان عزیمت قضا مشیتش به جانب سلوک خاص و عام بر محجة البیضاء طریقه عبودیت معطوف، دست تربیتش را در تقویت ملت بیضا، ید بیضایی است باهر، و انفاس عیسوی آیتش را در احیای علوم، معجزی است ظاهر، روزگار فرخنده آثارش مر کافه رعایا را جامع سعادات، دوران سعادت توأمانش مر قاطبه برایا را حاوی فنون کمالات، جهات صوری و معنوی را با هم قرین نموده، کشور سعادت جاودان را چون اقالیم جهان مستخر ساخته، و ممالک دل و جان را از لوث فرنگیان رذایل صفات، پاک نموده، دیار مکارم اخلاق را چون ممالک آفاق در قبضه تصرف درآورده، از میامن التفات آن کشور گشای عالم، صورت و معنی ساخته، مقاصد علم اخلاق، که بقیه جنود جهاد اکبر را متکفل است، محل عساکر انظار طالبان علوم دین، و عرصه مباحث این فن شریف، که تسویه صفوف مجاهده نفس اماره را مشتمل است، مضمار فوارس افکار سالکان راه یقین گردید. و مدارس مهجوره آن را رونقی تازه، و معالم مشروکه آن را رواجی بی اندازه به هم رسید. و چون لطف عمیمش مقتضی تعمیم این نعمت عظمی نسبت به کافه انام، و خلق کریمش مستلزم نشر این سعادت کبری بین الخاص و العام بود، کتاب مذکور که از جمله کتب مصتفه در این فن، مقبول طبع اشرف خاقانی، و منظور نظر عنایت گستر سلطانی شده، به زبان عربی تعبیر، و ارباب ایمان و اصحاب ایقان فارسی زبانان را از مواید فواید آن بهره حاصل نبود، لهذا از مصدر عزت و اجلال، و محفل حشمت و اقبال، اشاره لازم البشاره به این دعاگوی دولت مصون از زوال، صادر گردید که: خلاصه مطالب و جل مقاصد آن را به سیاق فارسی، به عبارتی واضح بیان نماید که عموم ناس از فراید فواید آن نفع توانند یافت. بنابراین با وجود عدم بضاعت و قلت استطاعت و تفرق بال، و تکسر احوال، بعد از استعانت از حضر رب الارباب و استمداد از ارواح مقدسه ائمه اطیاب؛ شروع در تألیف این کتاب شد. امید که مقبول طبع اشرف گردیده و کافه انام از فواید آن بهره یاب، و ثوابش به

روزگار فرخنده آثار پادشاهی، عاید گردد. و آن را مسمی نمود به «معراج السعادة» و آن مشتمل است بر پنج باب،

باب اول: مقدمات نافع

باب دوم: قوای نقص انسانی و اخلاق ذمیمه.

باب سوم: محافظت اخلاق حمیده از انحراف و...

باب چهارم: فضائل اخلاق حسنه و کیفیت اکتساب آنها.

باب پنجم: اسرار و آداب عبادات.

www.ketab.ir